پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۲۵ - ۱

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۰۱

سنجش و تحلیل میزان تأثیر سرمایهٔ اجتماعی بر مشارکت سیاسی مردم (مطالعه موردی: شهر ایلام)

احمد شوهانی[۱]
نادر شوهانی[۲]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۱ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۳**

چکیده

مفهوم و نظریه سرمایهٔ اجتماعی از دهه ۱۹۹۰ میلادی به این سو توجه اندیشمندان و محققان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی (اقتصاد، جامعه شناسی، علوم سیاسی و...) را به خود جلب کرده است. سرمایه اجتماعی در مقوله مشارکت بسیار مورد توجه دانشمندان و نخبگان سیاسی است. سعی می‌شود که تئوری سرمایه اجتماعی از لحاظ واقعیت‌های مسلط بر جامعه مورد آزمون تجربی قرار گیرد و با این پیش‌فرض که سرمایه اجتماعی نقش اساسی در مشارکت سیاسی دارد، هدف اصلی این مقاله پاسخ به چرایی این مسئله و تبیین آن است.

روش تحقیق: روش تحقیق در این پژوهش، بر اساس موردی و از سنخ توصیفی- همبستگی بوده و مبتنی بر پیمایش است. حجم نمونه ۳۹۰ نفر شهروندان ایلامی که به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. متغیر مستقل در این تحقیق، سرمایهٔ اجتماعی است که با سه شاخص اعتماد اجتماعی، شبکه‌ها و روابط اجتماعی و همبستگی اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. متغیر وابسته در این تحقیق مشارکت سیاسی است که با دو شاخص مشارکت رسمی و غیر رسمی در مسائل سیاسی مورد بررسی قرار گرفته است. به منظور گردآوری داده‌ها از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شد که روایی آن توسط متخصصان و اساتید مربوطه تأیید و پایایی آن با توجه به آزمون آلفای کرونباخ (۸۵) مطلوب به دست آمد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش از آمار توصیفی و آمار استنباطی (روش‌های آماری از قبیل تحلیل همبستگی پیرسون، تحلیل میانگین و آزمون رگرسیون چند متغیره) و نرم‌افزار spss استفاده شد.

یافته‌های تحقیق: نشان می‌دهد که میان اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. از طرفی بین شبکه‌های روابط اجتماعی میان مردم، اعتماد اجتماعی و انسجام و همبستگی اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. براساس یافته‌های تحقیق به هر میزان که از سطح خانواده به سطح خویشاوندان، همکاران، هم محلی‌ها، همشهریان و هموطنان حرکت کنیم از میزان سرمایه و اعتماد اجتماعی کاسته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت سیاسی، شبکه اجتماعی، هنجار اجتماعی.

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) behnoosh60@yahoo.com
۲. استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه پیام نور nadershohani54@yahoo.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

مقدمه

سرمایه اجتماعی، زاده کنش و واکنش‌های افراد و محصول آشنا بودن و آشنا شدن آدمیان با یکدیگر است و بر چشم‌داشت‌هایی استوار است که از آشنایی جان می‌گیرد و در اکثر مواقع با گذر زمان می‌بالد و گسترده می‌شود. استعاره مکرر به کار رفته برای معرفی سرمایهٔ اجتماعی ـ یعنی آنچه که می‌دانید مهم نیست، آنکه می‌شناسید مهم است، دقیقاً بر آشنایی و نتایج حاصل از آن دلالت دارد. در عین حال، فرض بر آن است که آشنایی در اکثر مواقع سودمند است و این سودمندی نوعی منبع حاوی ارزش به شمار می‌رود که کاربرد مفهوم سرمایه در سرمایه اجتماعی را قابل دفاع می‌سازد (پیران، ۱۳۸۵: ۱۰). امروزه توجه به حقوق شهروندان از زوایای مختلف، محل توجه بسیاری از اندیشمندان، دولتمردان و محافل جهانی است (فاطمی، ۱۳۹۳: ۴۷). یکی از لوازم برنامه‌ریزی در دنیای جدید توجه به مشارکت فعال و اثربخش همه‌جانبهٔ افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۵۴). به عبارت دیگر، مشارکت فرایندی است که در برگیرندهٔ انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر گذاردن بر تصمیم‌گیری دربارهٔ امور عمومی است. لازمه توسعهٔ پایدار و همه‌جانبه، بسط روزافزون انگیزش و مشارکت اجتماعی ـ سیاسی و اقتصادی مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تعیین خط‌مشی مرتبط با زندگی اجتماعی آنهاست. مشارکت در ابعاد گسترده، فرایندی تعریف می‌شود که به واسطهٔ آن، فرد نقش‌هایی در حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشورش ایفاء می‌کند و جامعه را برای نیل به اهدافش یاری می‌رساند. براساس برخی دیدگاه‌ها مشارکت سیاسی بخشی از مشارکت همگانی است و مردم از این طریق به طور مستقیم یا غیرمستقیم در سیاست‌گذاری‌های سیاسی مشارکت می‌کنند (همان).

از طرفی هر نوع واحد سیاسی از قبیله تا کشور ملت یا حکومت ملی به طور طبیعی دارای جامعه‌ای است که به رفتارها ـ کنش‌ها، واکنش‌ها، هنجارها و افکار خاصی تمایل نشان می‌دهد. در واقع، فرهنگ رفتاری که انسان‌ها با خود – چه آگاهانه و چه ناآگاهانه – حمل می‌کنند، تحت تأثیر ساختارهایی است که در آن زندگی می‌کنند، ساختارسازی‌های اجتماعی و اقتصادی از سهل‌ترین و ساختارسازی‌های فرهنگی و سیاسی از دشوارترین نوع ساختارسازی‌ها هستند (سریع–القلم، ۱۳۸۷: ۱۶). مشارکت اجتماعی ـ سیاسی همان ایجاد سرمایه اجتماعی در جامعه است؛ چون بدون تحقق سرمایه اجتماعی، روابط انجمنی،

فصلنامه علمی ـ پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

هنجارها و اعتماد، پیوند و اعتماد بین فردی ـ روابط بین گروهی، روابط با نهادها و احساس برخورداری از حمایت اجتماعی، ما شاهد تعاملات اجتماعی بین افراد جامعهٔ نخواهیم بود. بنابراین، می‌توان گفت که مشارکت تحقق نمی‌یابد، مگر با وجود تحقق مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و سرمایه اجتماعی تحقق نمی‌یابد، مگر با تجلی شاخص‌هایی همچون اعتماد و پیوندهای میان افراد. همچنین، افراد با نهادهای رسمی و غیر رسمی و سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه‌های موجود در اجتماع، فیزیکی نیست، بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است و این نشان می‌دهد که سرمایهٔ اجتماعی در دل شبکه روابط اجتماعی قرار دارد (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۰۱).

مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت، از شاخص‌های توسعه اجتماعی و سیاسی در کشورها به شمار می‌رود (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۷). امروزه عقیده بر این است که هیچ جامعه‌ای بدون بسط وگسترش مشارکت به توسعه پایدار نخواهد رسید و مشارکت مردم برای توسعه و پیشرفت جوامع حیاتی است. بنابراین، اگر مشارکت تا این حد برای رسیدن به توسعهٔ پایدار ارزشمند است، ضروری‌تر از آن شناخت است. ریشه‌ها و عوامل تأثیرگذار بر مشارکت کدام‌ها هستند و اینکه آیا عوامل فوق در همه جوامع و محیط‌ها یکسان عمل می‌کنند؟ بنابراین، اهمیت دو مقوله سرمایه اجتماعی و مشارکت در دنیای قرن بیست و یکم، مورد توجه بسیاری از صاحبنظران و سیاستمدان قرا گرفته است.

هدف از پژوهش، سنجش و تحلیل میزان تأثیر سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مردم در شهر ایلام است و پرسش اصلی تحقیق این است که سرمایه اجتماعی چه نقشی در میزان مشارکت سیاسی داشته و خواهد داشت؟ که این موضوع را به صورت تئوریک مورد بررسی قرار خواهیم داد و علاوه بر آن موضوع فوق را در استان ایلام به صورت تجربی (پرسشنامه‌ای) و در قالب کار میدانی مورد آزمون قرار می‌دهیم. تجربه‌ای که طی دهه اخیر در کشور داریم، میزان مشارکت سیاسی و انتخاباتی در شهرهای کوچک بسیار بیشتر از شهرهای بزرگ بوده و بنابراین این پرسش قابل طرح است که چرا برخلاف انتظار، شهرهای کوچک و روستاها در امر مشارکت سیاسی، گوی سبقت را از شهرنشینان ربوده‌اند. در جوامع کوچک‌تر و سنتی‌تر مثل ایلام، افراد هنوز محلی‌گرایی خودشان را از دست نداده‌اند و منابع اعتماد از نوع منابع دوران پیشامدرن یعنی منابعی همچون سنت ـ نظام‌های خویشاوندی، مذهبی و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

اجتماع محلی است. بنابراین، به مسئله اصلی که به چه میزان در شهر کوچک و قبیله‌ای ایلام شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی مردم اثر می‌گذارند، به عنوان یک مسئلهٔ کلیدی و با روش علمی به تفصیل پاسخ داده می‌شود.

مبانی نظری

سرمایه اجتماعی به سرعت به مفهومی محوری در تجارت، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی تبدیل می‌شود. ریشه‌های مفهوم سرمایه اجتماعی را می‌توان در تفکرات دورکیم و مارکس و حتی ارسطو ردیابی کرد (کرول و استنفیلد[1]، ۲۰۰۳: ۳۹۷). برخی از محققان این مفهوم را در ارتباط با توسعه اجتماعی مطرح ساخته‌اند (هانیفان[2]، ۱۹۱۶). در دهه ۱۹۵۰، با کار یک گروه جامعه‌شناس کانادایی (سِلی و همکاران[3]، ۱۹۵۶)، در دهه ۱۹۶۰ با کار جین جکویز و در دهه ۱۹۷۰ با کار یک اقتصاددان به نام لوری[4] مورد توجه قرار گرفت. در دهه ۱۹۸۰ جامعه‌شناس فرانسوی، پیر بوردیو[5] با استفاده از این مفهوم، تأکید خود را بر منابع اجتماعی و اقتصادی در قالب شبکه‌های اجتماعی قرار داد. تحقیق جیمز کلمن[6] روی این مفهوم در شاخهٔ آموزش و پرورش، نوشته‌های نورث در مورد نهادهای رسمی و غیررسمی، کار فوکویاما[7] (۱۹۹۵) بر نقش اعتماد در اقتصاد و نظرات ایوانز[8] (۱۹۹۵) در مورد ماهیت روابط دولت – جامعه، در مجموع هدایتگران اندیشهٔ این مفهوم هستند. مفهوم سرمایه اجتماعی با شتاب، به مفهوم محوری در تجارت، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی تبدیل شده است. این مفهوم در وضعیت کنونی خود بیشتر مورد توجه بوردیو، کلمن (۱۹۸۸) و رابرت پانتام[9] است. پانتام متخصص علوم سیاسی، تأکید خود را بر مشارکت مدنی، کارکردهای نهادی و اجتماعات به عنوان مبانی جریان‌های کنونی قرار داده است.

1. Carroll and Stanfield
2. Hanifan
3. Seely & et al
4. Loury
5. PirBourdiue
6. Jamez Coleman
7. fukuyama
8. Evans
9. Rabert Putnam

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

سخن گفتن دربارهٔ مفهوم سرمایه اجتماعی کار پایه مفهومی و مفهوم‌سازی آن است. سرمایه اجتماعی زادهٔ کنش و واکنش افراد است و محصول آشنا بودن و آشنا شدن و آشنا ماندن آدمیان با یکدیگر است و بر چشم‌داشت‌هایی استوار است که از آشنایی جان می‌گیرد و در اکثر مواقع با گذر زمان می‌بالد و گسترده می‌شود. استعاره مکرر به‌کار رفته برای سرمایه اجتماعی، یعنی «آنچه که می‌دانید مهم نیست، بلکه آنچه را می‌شناسید مهم است»، دقیقاً بر آشنایی و نتایج حاصل از آن دلالت دارد و این سودمندی نوعی منبع حاوی ارزش به شمار می‌رود که کاربرد مفهوم سرمایه در سرمایه اجتماعی را قابل دفاع می‌سازد (پیران، ۱۳۸۵: ۱۰).

برای تبیین و توضیح تفاوت میان افراد از لحاظ میزان تمایل به مشارکت یا مشارکت‌پذیری، دو دسته نظریه وجود دارد که عبارت‌اند از:

الف) نظریه‌هایی که منشأ وبری دارند و در آن بر نظام باورها، گرایش‌ها و اندیشه‌ها تأکید می‌شود. مطابق مفروض اصلی این نظریه‌ها، کنش برخاسته از وجوه فرهنگی و تحت تأثیر عناصر گوناگون آن است. بنابراین، تصور و پنداشت کنشگر در رفتار او مؤثر است. این نظریه‌ها که غالباً به صورت تجربی و در حوزه روان‌شناسی و اجتماعی بیشتر مطرح شده‌اند، متغیر بی‌قدرتی[1] را به عنوان مهم‌ترین متغیر مورد توجه قرار داده‌اند. در اینجا باید بر این نکته تأکید شود که در این نظریه توجه بر تبیین مشارکت نبوده است، بلکه متغیرهای مورد توجه آن در مقام متغیر مستقل، تبیین‌کننده خوبی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهد.

ب) دسته دوم نظریه‌ها بر جنبه رفتاری تأکید دارند و رفتار را بیش از آنکه حاصل باورها و گرایش‌ها بدانند، نتیجه تفاوت سود و زیان تصور می‌کنند. مفروض اصلی این دیدگاه آن است که یک رفتار زمانی شکل می‌گیرد، تثبیت می‌شود و در نهایت جنبه نهادی می‌یابد که منافع حاصل از آن بر هزینه‌ها فزونی گیرد. به همین دلیل، مشارکت هنگامی گسترش می‌یابد که منافع عینی آن (تصور فرد نسبت به منافع آن)، بیش از هزینه‌های آن (تصور ذهنی فرد نسبت به هزینه‌ها) است (علوی‌تبار، ۱۳۷۹: ۴۰).

کارکردگرایان با تأکید بر مفاهیمی چون انسجام، ادغام و تعادل بر این عقیده هستند که تعادل میان حوزه ارزش‌ها (وجدان جمعی) و محیط اجتماعی (تقسیم کار) باید وجود داشته باشد. وجدان جمعی که ویژگی جوامع سنتی‌تر بوده، عبارت است از مجموعه باورها

1. powerlessness

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

و احساسات مشترک در بین حد وسط اعضای یک جامعه (ریمون آرون، ۱۳۷۰: ۳۴۸). در جامعه مبتنی بر پیوندهای سنتی و مکانیکی، فرد از طریق خویشاوندی، پایبندی شدید به سنت‌ها و اطاعت محض از هنجارها و اطاعت شدید از قبیله به جامعه خود متصل می‌شوند؛ در حالی که در جوامع مدرن، تقسیم کار جای وجدان جمعی را می‌گیرد و همبستگی سنتی به هم می‌خورد. در واقع، از دیدگاه کارکردگرایان مثل اسملسر، تقسیم کار، نوسازی جامعه و تنوع ساختاری موجبات اختلال در همبستگی جوامع هستند. به عنوان مثال دورکیم خودکشی را نمونه‌ای از وضعیت آنومی می‌داند که از نظر او نتیجهٔ فروپاشی بافت اخلاقی و همبستگی جامعه است. بنابراین، باید گفت که تعادل یک نظام، زمانی ایجاد می‌شود که بین فعالیت و کارکرد نظام‌های تابعه اجتماعی، هماهنگی و هم‌سویی وجود داشته باشد. با توجه به تأکید کارکردگرایان بر تعادل میان ارزش‌ها و محیط باید گفت که از نگاه آنان مشارکت سیاسی بنابر مقتضیات مکانی و زمانی خود تعریف می‌شود و در واقع تابع هنجارهای حاکم بر هر جامعه‌ای است و می‌توان چنین نتیجه گرفت که از نظر آنان مشارکت سیاسی از جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است (همان).

آلموند و پاول اظهارنظر می‌دارند که یک سیستم، الهام‌بخش نوعی همبستگی بین اجزاء و نوعی مرز با محیط اطراف است. منظور از همبستگی این است که زمانی که خصوصیات یک مؤلفه متحول شود، همهٔ مؤلفه‌های نظام به عنوان یک مجموعه تحت تأثیر قرار می‌گیرند. از نظر ایستون نظام حاوی مجموعه‌ای از کنش‌های متقابل است که از طریق آنها ارزش‌ها بین بخش‌های مختلف جامعه توزیع می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۲۴). وابستگی متقابل، حساسیت متقابل و آسیب‌پذیری متقابل از مفاهیم مربوط به نظام هستند و هرچه نظام از این خصلت‌ها بیشتر برخوردار شود، میزان و درجه اذعام بیشتر است. ایستون نظام‌های سیاسی را دارای ارتباط ساختاری با محیط از طریق نظام تابعه بازخوردی می‌داند؛ یعنی اینکه نظام سیاسی به طور مستمر از دیگر نظام‌های اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. اگر نظام سیاسی از مشروعیت و مقبولیت مردمی برخوردار باشد، تعامل بین محیط و سیستم برقرار شده و سیستم از حمایت‌های جامعه برخوردار خواهد شد و برعکس درصورتی که سیستم به تقاضاها و مطالبات مردم بی‌توجه باشد، بر شکاف میان دولت و ملت افزوده شده و مردم به جای حمایت، نسبت به سیستم مخالف خواهند شد و بازخورد کار منفی خواهد بود. یونس و مک

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

کللند معتقدند که مشارکت می‌تواند در ساختن هویت مدنی مؤثر باشد (حاتمی، ۱۳۹۱: ۶۰).

حمایت‌های مردم به شکل شرکت در راهپیمایی‌های مختلف در حمایت از سیاست‌های نظام، مشارکت در انتخابات، قانون‌پذیری و جز اینها نشان داده خواهد شد و تجربه نشان داده که به هر میزان که شکاف دولت- ملت کمتر شود، مشارکت سیاسی بیشتر خواهد شد. رابرت دال در کتاب معروفش تجزیه و تحلیل جدید سیاست، مشارکت سیاسی را مورد تحلیل قرار داده و عوامل تسهیل‌کنندهٔ ورود به مشارکت سیاسی را مطرح کرده و توانسته مدلی را برای تبیین رفتار مشارکتی طراحی کند. به نظر دال عوامل زیر بر مشارکت تأثیر مستقیم دارند که در صورت بروز و تحقق آنها مشارکت بیشتر خواهد شد:

الف) فرد برای پاداش‌های حاصل از مشارکت ارزش بالایی قائل باشد.

ب) مکانیزم مشارکت را در نیل به هدف در قیاس با سایر مکانیزم‌ها مؤثرتر بداند.

ج) نسبت به دستیابی به نتایج اطمینان لازم را داشته باشد.

د) برای مشارکت از دانش و مهارت کافی برخوردار باشد.

هـ) در ذهن خود نوعی احساس آمادگی و برخورداری از دانش، اطلاعات و توانایی برای انجام دادن عمل را داشته باشد.

و) در ورود به مشارکت و در جریان مشارکت خود را مواجه با مشکلات و موانع زیادی نبیند.

مدل دال بیشتر مبتنی بر ابعاد فردی و روانی است که به نوعی بی ارتباط با گزاره‌های مربوط به نظریه مبادله نیست. براساس نظریه مبادله، به هر میزان که تبادلات اجتماعی بیشتر باشد، سرمایهٔ اجتماعی و به تبع آن اعتماد و مشارکت سیاسی بیشتر خواهد شد (دال، ۱۳۶۴: ۳۵-۳۴).

هانتینگتون ونلسون به مقوله مشارکت به عنوان معلول و اثر تبعی توسعه می‌نگرند. آنان براساس تجربه کشورهای غربی به این نتیجه می‌رسند که توسعه اقتصادی و اجتماعی لزوماً باعث افزایش مشارکت نمی‌شود و بنابراین، بر این عقیده هستند که گسترش فرصت‌های تحرک اجتماعی و فردی و مشارکت سیاسی در کوتاه‌مدت با هم رابطه معکوس دارند و افراد اگر بتوانند با استفاد از وسایل دیگر (مهاجرت به شهر، بالابردن سطح سواد، انتقال به مشاغل پردرآمد و...) به اهداف مورد نظر که در نهایت همان بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی خود است، دست یابند، معمولاً از مشارکت در سیاست صرف‌نظر می‌کنند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۴۲).

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

اینگلهارت به رابطه میان اعتماد و مشارکت توجه کرده است. به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت می‌باشد؛ زیرا به واسطه اعتماد، رفتارها قابل پیش‌بینی و در نتیجه حوزه کنش و تصمیم‌گیری تقویت می‌شود؛ آن چنان که الموند و وربا در طرح مباحث فرهنگ مدنی، اعتماد را از لوازم فرهنگ دموکراتیک دانسته‌اند (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳). به عقیده لیپست افراد در اثر یک فشار گروهی مجبور به مشارکت می‌شوند. بنابراین، از نظر او مشارکت اجباری و تحمیلی (غیرارادی) بیشتر وجود دارد (فشارهای اجتماعی). به نظر می‌رسد که نظریه لیپست در مورد مناطق سنتی‌تر و کوچک‌تر درست‌تر باشد، جایی که مشارکت سیاسی بیشتر تحت تأثیر یک نوع فشار گروهی و جمعی ناشی از تحریک و تشویق یا خانواده‌گرایی و خویشاوندگرایی است، نه براساس آگاهی سیاسی. دنی و کیم از جمله پژوهشگرانی هستند که عامل محیط را در تحلیل‌های خود مورد توجه قرار داده‌اند و علاوه بر نوع محیط، اندازه آن را نیز در بررسی مشارکت سیاسی دخالت داده‌اند. براساس مطالعات انجام‌شده، میزان مشارکت سیاسی در امور محلی و منطقه‌ای غالباً در مناطق کوچک و روستایی و شهرهای کوچک بیش از شهرهای پرجمعیت و کلان‌شهرهاست. در واحدهای کوچک روستایی و محله‌های شهری که مردم از دیرباز با یکدیگر آشنایی دارند و پیوندهای اجتماعی قوی‌تر است، تمایل به مشارکت سیاسی به ویژه مشارکت انتخاباتی قوی‌تر است.

باید گفت که یکی از اثرات محیط بر شخصیت ناشی از فرهنگی است که فرد در آن رشد یافته است. از طرف دیگر، فرهنگ رفتاری که انسان‌ها با خود چه آگاهانه چه ناآگاهانه حمل می‌کنند، تحت تأثیر ساختارهایی است که در آن زندگی می‌کنند. ساختارسازی‌های اجتماعی و اقتصادی از سهل‌ترین و ساختارسازی‌های فرهنگی و سیاسی از دشوارترین نوع ساختارسازی‌ها هستند (سریع‌القم، ۱۳۸۷: ۱۶).

با توجه به مبانی نظری ذکرشده در بالا، سه شاخص عمده که برآیندی از وجود سرمایه اجتماعی است، برای نمایان ساختن رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی مطرح می‌شود که عبارت‌اند از:

الف) اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی

یکی از اساسی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی است. اعتماد

فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

اصلی‌ترین جزء سرمایه اجتماعی یک نظام سیاسی به شمار می‌رود. برقراری فضای اعتماد میان دولت و ملت موجب تعامل بیشتر و بهتر آنها و افزایش مشارکت سیاسی مردم و کارآیی نهادهای سیاسی می‌شود (هوشنگی، ۱۳۹۱: ۶۱). اعتماد هم به لحاظ مفهومی و هم به لحاظ تجربی دارای ارتباط نزدیکی با سرمایه اجتماعی است (جان فیلد، ۱۳۸۶: ۱۰۷) که اغلب آن را درونمایه سرمایه اجتماعی می‌دانند. بررسی منابع و مآخذ مربوطه نشان می‌دهد که این مفهوم از دیدگاه‌های مختلف روان‌شناسی، جامعه–شناسی، سیاسی، معرفت‌شناختی و .... مطالعه شده است. برخی، اعتماد را از جنبه خرد (روان‌شناسان) و برخی از جنبه کلان (جامعه‌شناسان) مورد توجه قرارداده‌اند. البته عده‌ای هم دیدگاه ترکیبی را مورد توجه خویش قرار داده‌اند (گیدنز و لومان). فردیناند تونیس معتقد است که روابط مبتنی بر اعتماد تنها در اجتماع وجود دارد؛ چراکه یک فرد به خانواده، خویشاوندان و دوستانش اعتماد می‌ورزد، چون که احساس او براساس مشابهت‌ها، فهم و تأیید متقابل است.

فوکویاما اعتماد را به عنوان ویژگی بنیادین سرمایه اجتماعی تعریف کرده و بر این عقیده است که اعتماد به کاهش هزینه‌ها و افزایش نتایج منجر می‌شود و بنابراین هرچه اعتماد افزایش یابد، روایی و ثمربخشی رفتارها بیشتر می‌شود تا جایی که اندیشه‌گران پیرو فوکویاما مایل به تقلیل تمام ابعاد سرمایه اجتماعی به اعتماد هستند. مثلاً اریک اوسلانر می‌گوید: «اعتماد پایه اصلی نظم اجتماعی است و اجتماعات به اعتماد متقابل وابسته‌اند».

به اعتقاد پاتنام، اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هرچه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند (پانتام، ۲۰۰۰: ۶۵). بنابراین، اعتماد که یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است، یک عنصر غیر اختیاری و ناآگاهانه نیست، لذا اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار یک بازیگر مستقل است (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳).

در ایران به هر میزانی که از مرکز فاصله گرفته و به سمت حاشیه حرکت کنیم، همچنان رسوخ و نفوذ سیاسی، اقتصادی قبایل و تفکرات سنتی را می‌بینیم. هرچند پس از ده‌ها سال شهرهای بزرگی در این مناطق به وجود آمده، ولی همچنان رسوبات تفکرات قبیله‌ای را در زندگی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... مردم شاهدیم. به عنوان مثال در استان ایلام، با وجود آنکه شاخه‌های احزاب و گروه‌های متعدد سیاسی فعالیت دارند، ولی با این وجود همچنان

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

عامل تعیین‌کننده نگاه‌های قبیله‌ای است که به ویژه در ایام انتخابات نقش قبایل و ایلات، ریش‌سفیدان و کدخداهای سابق و... را به عینه شاهد هستیم. آمارها نشان می‌دهد که مردم به اعضای خانواده، دوستان و اقوام خود بیشتر از ساختارهای رسمی اعتماد دارند. طبق آماری که در طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۰ به دست آمده، ۸۸/۴ درصد مردم به اعضای خانواده خود بسیار اعتماد دارند و این رقم در مورد اقوام ۴۹ درصد و در مورد دوستان نیز ۴۹% بوده است (محسنی، ۱۳۷۹).

برطبق نظریه گیدنز شاید بتوان گفت که در جامعه شهری ایلام، منابع اعتماد همان منابع دوران پیش از مدرن؛ یعنی منابعی همچون سنت، نظام‌های خویشاوندی، سنت و اجتماع محلی است که در جوامع سنتی و پیشامدرن نوعی اعتماد سنتی و خاص‌گرایانه را به وجود می‌آورند. اعتمادی از این نوع مستلزم تعاملات چهره به چهره است که در آن افراد باید همدیگر را بشناسند، تا از رهگذر این شناخت متقابل به هم اعتماد داشته باشند. بر همین اساس در جامعه شهری ایلام، افراد هنوز به اهمیت و ارزش سنت‌ها اعتماد و اعتقاد دارند. نظام‌های خویشاوندی و شبکه‌های ارتباطی از نوع محدود و درون‌گروهی، الگوی بسیاری از افراد را تعیین می‌کنند، مذهب در لایه‌های درونی جامعه رسوخ کرده و هنوز هم به عنوان یکی از منابع مهم اعتماد افراد محسوب می‌شود و آن نوع اعتمادی که گیدنز با عنوان اعتماد به نظام‌های انتزاعی مشخص می‌کند، در جامعه شهری ایلام، به نسبت خیلی کمی وجود دارد.

ب) شبکه‌ها و روابط اجتماعی و مشارکت سیاسی

از آنجایی که انسان‌ها از طریق روابطی که با یکدیگر برقرار می‌سازند، سعی دارند تا نیازمندی‌های خود را تأمین و اهداف مورد نظر را محقق نمایند، پدیده‌ای به نام جامعه شکل می‌گیرد. برقراری رابطه میان افراد باعث می‌شود تا اطلاعات بین افراد مبادله شود و افراد جامعه در قالب شبکه‌های مختلف اجتماعی از قبیل همسایگان، دوستان، شبکه‌های خویشاوندی، خانواده و ... به تعریف و تحقق منافع جمعی اقدام کنند و با مشارکت فعالانه در اجتماع سعی در بهبود کیفیت زندگی فردی و جمعی خود نمایند؛ هرچه این روابط از استحکام بیشتر و از کیفیت و کمیت بالاتری برخوردار بوده و نظام‌مندتر و هماهنگ‌تر عمل کند، ما شاهد دستیابی به اهداف جمعی در مدت زمانی کوتاه‌تر و با صرف هزینه‌های کمتر

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

خواهیم بود. در این حالت ما می‌توانیم از سرمایه اجتماعی صحبت به میان آوریم که ترکیب ویژه روابط اجتماعی و نیز کیفیت این روابط است (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۲۸). ایده اهمیت شبکه‌های اجتماعی، ایده جدیدی نیست. یک مثل انگلیسی قدیمی می‌گوید: «آنچه می‌دانید مهم نیست، بلکه آنچه می‌شناسید مهم است». شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از اجزای ضروری سرمایه اجتماعی هستند و هرچه این شبکه‌ها در جامعه متراکم باشند، احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است (ازکیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۳: ۵۲). هر فردی دارای شبکه‌های اجتماعی است که این شبکه‌ها می‌تواند حاوی انواع رابطه، نظیر دوستی یا پیوندهای عاطفی، نزدیکی در فضا مانند همسایگی یا مجاورت مکانی در اداره، روابط خویشاوندی و نظایر آنها باشد. جدای از پیوندهای غیررسمی با دیگران، فرد می‌تواند از طریق عضویت رسمی در انجمن–ها و گروه‌های مختلف با دیگران در ارتباط باشد.

پاتنام در تحقیق خود در جامعه آمریکا اشاره می‌کند که کسانی که به شبکه غیر رسمی بیشتری تعلق دارند، بیشتر مایلند که وقت و پول خود را به انجام دادن کارهای داوطلبانه اختصاص دهند (قانعی‌راد، ۱۳۸۴: ۱۰۵). بنابراین، عقیده بر این است که شبکه‌های اجتماعی می‌توانند همکاری را برای منافع متقابل تسهیل کنند؛ به طوری که شبکه متراکمی از روابط متقابل احساس مشارکت را در فرد گسترش می‌دهند و ترجیح افراد را برای عمل جمعی بیشتر می‌کنند.

ج)هنجارهای اجتماعی و مشارکت سیاسی

مکانیسم تبیین رابطه هنجارهای اجتماعی و مشارکت سیاسی بدین گونه است که انسان‌ها نیاز به احساس تعلق دارند و نمی‌توانند به صورت منزوی و تنها زندگی کنند و هنگامی که آنها به رفتارهای مورد پذیرش جامعه دست می‌زنند، میزان پذیرش آنها در گروه‌های مربوط به آن افزایش می‌یابد (بایمیستر[1]، ۱۹۹۵: ۴۹۷).

گربر و روجرز از جمله اندیشمندانی هستند که به بررسی تأثیر هنجارهای اجتماعی بر جمعیت رأی‌دهنده پرداخته‌اند. تحقیقات آنان نشان می‌دهد که وقتی تأثیر هنجارها و ارزش‌های اجتماعی در جامعه در سطح پایینی قرار دارد، میزان مشارکت در انتخابات تا حد

1. Baumeister

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی-پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

چشمگیری کاهش می‌یابد، اما هنگامی که هنجارهای اجتماعی در جامعه قوی‌تر می‌شوند، از یک سو مشارکت سیاسی افزایش می‌یابد و از سوی دیگر، مشارکت کنندگان تشویق می‌شوند تا این روند تداوم داشته باشد. گلین نیز استدلال می‌کند که درک و فهم افراد از هنجارهای محیط بر آنها هم بر تصمیم‌گیری و هم بر رفتار سیاسی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد. همان‌گونه که در بالا اشاره شد، علت اصلی تأثیر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بر مشارکت سیاسی این است که افراد تلاش می‌کنند تا به گونه‌ای هماهنگ با اکثریت جامعه رفتار کنند (ابِر[1]، ۲۰۰۹: ۷۸).

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، بر اساس موردی و از نوع توصیفی - تحلیلی و ضریب همبستگی اجرا شده و مبتنی بر پیمایش است. توصیفی بدان جهت که به بررسی وضعیت متغیرهای دست‌کاری نشده می‌پردازد و و پیمایشی است چون متکی به ابزارهای پرسشنامه و گردآوری داده‌ها و تعمیم یافته‌ها به جامعه آماری است. جامعه آماری تحقیق شامل ساکنان شهر ایلام است. متغیر مستقل این پژوهش سرمایه اجتماعی است که با سه شاخص اعتماد اجتماعی، شبکه‌ها و روابط اجتماعی و همبستگی اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته و متغیر وابسته مشارکت سیاسی است که با دو شاخص مشارکت رسمی و غیر رسمی مورد بررسی قرار گرفته و برای ساختن مقیاس اندازه‌گیری آن از مقیاس چاپین استفاده شده است (میلر، ۱۳۸۰: ۲۲).

حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران ۳۹۰ نفر برآورد شده است که از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده‌اند. اعتبار ابزار سنجش با استفاده از اعتبار محتوایی از نوع صوری و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ (سرمایه اجتماعی ۰/۷۷ و مشارکت سیاسی ۰/۷۹) مورد تأیید قرار گرفته است. داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه، با استفاده از نرم‌افزار spss و روش‌های آماری از قبیل تحلیل همبستگی پیرسون، تحلیل میانگین و آزمون ناپارامتری کروسکال والیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

1. eber

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

ساختار سیاسی و اجتماعی ایلام

شهر ایلام که به عنوان مرکز استان، رهبری اداری ـ سیاسی استان را بر عهده دارد، به عنوان مادر شهر ناحیه‌ای یک استان مرزی و حاشیه‌ای، شهری جوان است که از تاریخ اجتماعی و سیاسی آن مدت زمان زیادی نمی‌گذرد. با این حال، در حال حاضر با ۱۶۰/۳ هزار نفر جمعیت به تنهایی ۴۸ درصد جمعیت شهرنشین استان را در خود متمرکز کرده است. ایلام اگرچه در مقایسه با سایر شهرهای استان از جمعیت قابل توجهی برخوردار است، اما در مقیاس ملی و حتی منطقه‌ای شهری کوچک و بسیار کم جمعیت محسوب می‌شود. این شهر از نظر جمعیت چهل نهمین شهر ایران است. ایلام در سطح منطقه‌ای نیز ظرفیت جمعیتی چندانی در میان مراکز استان‌های همجوار ندارد (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۵: ۵۳).

در استان ایلام جمعیت کم شهرها و روستاهای استان باعث شده تا میزان ارتباطات به‌ویژه ارتباطات چهره به چهره میان مردم در حد نسبتاً بالایی در مقایسه با کلان‌شهرها باشد و همین امر باعث شده تا در میان مردم نوعی اعتماد سنتی شکل بگیرد. در ایلام چندین قبیلهٔ بزرگ وجود دارد که از گذشته تا کنون تکیه‌گاه بسیاری از افراد هم ایلی بوده‌اند؛ به طوری که تعصبات ایلی باعث شده تا در غم‌ها و شادی‌ها در کنار همدیگر قرار بگیرند و به‌ویژه در موقع نیاز یار و یاور هم باشند و همدیگر را تنها نگذارند تا جایی که اگر برای یکی از افراد قبیله مشکلی پیش آید، همه به حمایت از او برمی‌خیزند. استان ایلام از نظر سیاسی استانی پرتحرک و فعال بوده که این تحرک در زمان انتخابات به اوج خود می‌رسد؛ به طوری که در سه دهه اخیر از مشارکت سیاسی بالایی برخوردار بوده است (شوهانی، ۱۳۸۸: ۶۷).

در استان ایلام خانه احزاب شکل گرفته و بر اساس آمار معاونت سیاسی استاندار تا سال ۱۳۹۸، ۶۱ حزب سیاسی در استان فعال می‌باشد (معاونت سیاسی استانداری، ۱۳۹۸)

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

براساس یافته‌ها و نتایج استخراج‌شده از پرسشنامه، سن اکثریت پاسخگویان بین ۳۰-۲۱ سال است (۳۶/۸ درصد). سپس گروه سنی ۳۱ تا ۴۰ سال با ۲۵/۵ درصد بیشترین گروه سنی بوده‌اند. بر اساس نتایج استخراج شده از جامعه آماری ۷۲/۶ درصد پاسخگویان مرد و

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

۲۷/۴ درصد زن بوده‌اند. براساس یافته‌های توصیفی پژوهش مورد مطالعه، تحصیلات اکثر پاسخگویان لیسانس (نزدیک به ۴۵ درصد) و عمده پاسخگویان در بخش دولتی شاغل هستند (بیش از ۶۵ درصد پاسخگویان).

جدول ۱. یافته‌های توصیفی براساس سن، جنس، تحصیلات و شغل

مؤلفه‌ها	ویژگی	درصد
سن (سال)	کمتر از ۲۰	۱۰/۶
	۲۱–۳۰ سال	۳۶/۸
	۳۱–۴۰ سال	۲۵/۵
	۴۱–۵۰ سال	۲۲/۱
	۵۱ به بالا	۸/۷
جنس	مرد	۷۲,۶
	زن	۲۷,۴
تحصیلات	فوق لیسانس و بالاتر	۲۰,۱
	لیسانس	۴۴,۵
	فوق دیپلم	۱۹,۱
	دیپلم	۱۰
	زیردیپلم	۶
اشتغال	شاغل در بخش دولتی	۶۵/۸
	شاغل در بخش خصوصی	۲۱/۸
	بیکار	۱۳/۴

مأخذ: یافته‌های نگارندگان

یافته‌های تحلیلی و سنجش

برای پاسخ مناسب به سؤال و فرضیه تحقیق با استفاده از روش‌های آماری از قبیل میانگین، انحراف معیار، تحلیل همبستگی پیرسون، تحلیل میانگین و آزمون ناپارامتری کروسکال والیس استفاده شده است. بر این اساس جدول شماره ۲ میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت‌کنندگان را در هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی نشان می‌دهد. میانگین مشارکت سیاسی رسمی و غیررسمی به ترتیب ۱، ۳۲، ۲۵ و ۲۹ است. نتایج یافته‌ها

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

نشان می‌دهد که میزان مشارکت رسمی تا اندازه‌ای بالاتر از میزان مشارکت غیر رسمی است.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد هر کدام از شرکت‌کنندگان در مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی

سرمایه اجتماعی	میانگین	انحراف استاندارد	مشارکت سیاسی	میانگین	انحراف استاندارد
اعتماد اجتماعی	۲۲,۳	۹,۸	مشارکت سیاسی رسمی	۳۲,۱	۵,۰۸
هنجارهای اجتماعی	۱۹,۸	۸,۴	مشارکت سیاسی غیررسمی	۲۹,۲۵	۴,۸۹
شبکه‌های اجتماعی	۲۱,۷	۹,۳	مشارکت سیاسی	۵۸,۷	۱۷,۹
سرمایه اجتماعی	۶۰,۳	۱۹,۲	–	–	–

همچنین در مؤلفه سرمایه اجتماعی، میانگین بُعد اعتماد اجتماعی ۲۲,۳، میانگین بُعد هنجارهای اجتماعی ۱۹,۸ و میانگین بعد شبکه‌های اجتماعی ۲۱,۷ است. میانگین نمره کل مشارکت سیاسی ۵۸,۷ و انحراف استاندارد آن ۱۷,۲ و مقادیر مذکور برای نمره کل سرمایه اجتماعی به ترتیب ۶۰,۳ و ۱۹,۲ به دست آمده است. بر اساس یافته‌های استخراج شده شاخص اعتماد اجتماعی بیش از دو شاخص دیگر سرمایه اجتماعی (هنجار اجتماعی و شبکه اجتماعی) از میانگین بالاتری برخوردار است.

جدول ۳. میانگین و انحراف استاندارد و نمرات شرکت‌کنندگان در هر یک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی

ابعاد	مؤلفه‌ها	گویه‌ها	آماره	کل (ایلام)
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	اعتماد بین خانواده	میانگین	۵,۶
		اعتماد بین دوستان و همکاران	انحراف معیار	۰/۹۸
		اعتماد بین هم محلی‌ها و همشهریان	میانه	۴,۸
		اعتماد به نهادهای اقتصادی	میانگین	۲/۴
		اعتماد به نهادهای اجتماعی	انحراف معیار	۰/۵۱۵
			میانه	۱,۹

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

		اعتماد به نهادهای زیست محیطی		
		اعتماد به نهادهای دولتی		
	احساس تعلق (هنجار اجتماعی)	توجه به امکانات محیط زندگی	میانگین	۲/۳۷
		حفظ پاکیزگی و بهداشت شهری	انحراف معیار	۰/۴۳۴
		توجه به پیشرفت و توسعه شهر	میانه	۲,۸
	روابط اجتماعی	تعامل بین خانواده	میانگین	۳/۷
		تعامل بین دوستان و همکاران	انحراف معیار	۰/۱۵
		تعامل بین هم محلی‌ها و همشهریان	میانه	۳,۵
مشارکت سیاسی	مشارکت رسمی	مشارکت در نهادهای اقتصادی	میانگین	۳/۳۲
		مشارکت در نهادهای اجتماعی	انحراف معیار	۰/۶۲۱
		مشارکت در نهادهای زیست محیطی	میانه	۳
		مشارکت در نهادهای سیاسی		
	مشارکت غیررسمی	مشارکت در هیئت‌های مذهبی	میانگین	۲/۴
		مشارکت در انجمن‌های خیریه	انحراف معیار	۰/۵۱۳
		مشارکت در صندوق‌های قرض‌الحسنه	میانه	۱,۹
		مشارکت در گروه‌های ادبی و هنری		
		مشارکت در گروه‌ها واحزاب سیاسی		
		مشارکت در انجمن‌های علمی		

در جدول شماره ۳ میانگین و انحراف معیار و گویه‌های مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی آمده است. بر اساس آمار به دست‌آمده اعتماد به خانواده بیش از سایر مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی مورد توجه پاسخگویان بوده است

جدول ۴. همبستگی ابعاد سرمایه اجتماعی به ابعاد مشارکت سیاسی

متغیرها	مشارکت سیاسی رسمی	مشارکت سیاسی غیررسمی
اعتماد اجتماعی	۰/۵۹	۰/۴۷
هنجارهای اجتماعی	۰/۴۱	۰/۳۴
شبکه‌های اجتماعی	۰/۴۸	۰/۳۷
سرمایه اجتماعی (کل)	۰/۵۴	۰/۳۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

جدول شماره ۴ همبستگی ساده (پیرسون) هر یک از سرمایه اجتماعی را با مشارکت سیاسی نشان می‌دهد.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، تمام همبستگی‌ها در سطح (۰/۰۱) معنی‌دار است. بالاترین میزان همبستگی مربوط به رابطه مشارکت سیاسی رسمی با اعتماد اجتماعی و کمترین میزان مربوط به رابطه هنجارهای اجتماعی با مشارکت سیاسی غیر رسمی است.

برای بررسی رابطه چندگانه سرمایه اجتماعی با هر یک از ابعاد مشارکت سیاسی از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. جدول شماره ۵ نتایج مدل رگرسیونی را به ازای رابطه سرمایه اجتماعی و ابعاد آن شامل اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی با هر یک از ابعاد مشارکت سیاسی و میزان کل مشارکت سیاسی نشان می‌دهد.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

جدول ۵. نتایج مدل رگرسیون به ازای رابطه سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی

متغیر پیش‌بینی	متغیر ملاک	R	R2	R2 تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	F	سطح معنی‌داری
اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی	مشارکت سیاسی رسمی	۰/۸۲۳	۰/۶۲۳	۰/۵۹۸	۹/۸۸	۶۸/۲۰	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی	مشارکت سیاسی غیررسمی	۰/۶۹	۰/۴۸	۰/۴۰	۶,۳۷	۶۱,۳۵	۰/۰۰۱
سرمایه اجتماعی	مشارکت سیاسی	۰/۷۴	۰/۴۱	۰/۴۰	۸,۸	۶۷,۶	۰/۰۰۱

همان‌گونه که جدول شماره ۵ نشان می‌دهد، ابعاد سرمایه اجتماعی پیش‌بینی کننده خوبی برای مؤلفه‌های مشارکت سیاسی هستند. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی با مشارکت سیاسی رسمی ۰/۸۲ است و ضریب تعیین ۶۲ درصد، نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های مشارکت سیاسی رسمی از روی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی یا مشارکت سیاسی غیررسمی ۰/۶۹ است و ضریب تعیین ۴۸ درصد، نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های مشارکت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

سیاسی غیررسمی از روی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی است.

بنابراین، سؤال تحقیق که میزان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در شهر ایلام به چه میزان است، با توجه به نتایج آمار توصیفی و تحلیلی بیان شده و فرضیه پژوهش که بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد، بر اساس نتایج مدل رگرسیونی متغیرهای سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی که در جدول شماره ۵ آورده شده، مورد تأیید قرار گرفت. بر اساس یافته‌های تحلیلی مقدار همبستگی چندگانه (R) سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی ۰/۷۴ است و ضریب تعیین ۴۱ درصد، نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های نمره کل مشارکت سیاسی از روی اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی) است. سطح معنی‌داری به دست آمده برای مقادیر F نشان می‌دهد که تمام ضرایب در سطح ۰/۰۰۱ p< معنی‌دار است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های این تحقیق، رابطه بین دو متغیر اصلی پژوهش، یعنی سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه‌ای معنی–دار و مستقیم بوده است. فرضیه اصلی تحقیق این بوده است که به بین سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد و بر اساس یافته‌های تحقیق این فرضیه تأیید می‌شود. همچنین بین هریک از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی (اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی و هنجارهای اجتماعی) و مشارکت سیاسی رابطه معنی‌دار وجود دارد. در شهر ایلام رابطه بین اعتماد اجتماعی و مشارکت بیشتر از دو متغیر فرعی سرمایه اجتماعی است. بعد از اعتماد اجتماعی، متغیر روابط اجتماعی است که رابطه بهتری با مشارکت سیاسی پاسخگویان برقرار کرده و در نهایت، متغیر هنجار اجتماعی است. بنابراین، با وجود اختلاف آماری در رتبه‌بندی بین این سه متغیر با در رابطه با مشارکت سیاسی، اما در مجموع هر سه متغیر با مشارکت سیاسی رابطه مستقیم دارند و سرمایه‌گذاری در این سه مؤلفه می‌تواند نتایج مفیدی در بالابردن مشارکت سیاسی در منطقه داشته باشد.

بر اساس یافته‌های تحقیق، تأثیر سرمایه اجتماعی در مشارکت رسمی پاسخگویان بیشتر از مشارکت غیر رسمی است. بر اساس نتایج به‌دست آمده از پرسشنامه توزیعی بین پاسخگویان مشاهده می‌شود که سرمایه اجتماعی در استان، بیشتر از نوع درون‌گروهی یا قدیم است. نتایج تحقیق گویای آن است که سرمایه اجتماعی در بُعد روابط انجمنی نظیر همکاری با نهادهای مدنی ضعیف‌تر و در بُعد پیوندهای بین فردی مثل رفت و آمد با یکدیگر قوی‌تر است. رقابت‌های قومی ـ قبیله‌ای نقش زیادی در میزان مشارکت سیاسی در ۳۰ سال گذشته داشته است. از طرفی بین اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد؛ هر چند منابع اعتماد در استان بیشتر منابع سنتی بوده است. نظام‌های خویشاوندی و شبکه‌های ارتباطی از نوع محدود و درون گروهی، الگوی رفتاری بسیاری از مردم استان را تعیین می‌کنند، اعتماد به غریبه‌ها و نظام‌های انتزاعی که در جوامع مدرن به وجود می‌آیند، در جامعه سنتی ایلام نهادینه نشده است و بنابراین، رفتار جمعی مردم بیشتر با تأسی به شیوه‌های سنتی و مرسوم پیشین انجام می‌شود. از طرف دیگر، یافته‌های تحقیق بیانگر همبستگی نسبتاً بالای میان مردم در استان است، ولی این همبستگی بیشتر از نوع سنتی است و این همبستگی، نقش زیادی در کنش‌ها و رفتارهای جمعی شهروندان ایلامی داشته است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی ـ پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

به‌رغم اینکه نتایج این تحقیق نشان‌دهنده سطح نسبتاً بالایی از سرمایه اجتماعی در ایلام است، ولی باید گفت که این سرمایه اجتماعی بیشتر از نوع درون قومی و درون گروهی است و سرمایه اجتماعی بین گروهی در سطح نازلی است. اعتماد، میزان روابط و همبستگی موجود نیز درون‌گروهی است و به هر میزان که از اعضای خانواده و نزدیکان و... فاصله بگیریم، از میزان آن کاسته خواهد شد.

یافته‌های تحقیق گویای میزان نسبتاً بالای همبستگی در استان است که البته همبستگی موجود بیشتر درون گروهی و درون‌قومی است که به ویژه در مواقع نیاز، بیشتر خودنمایی می‌کند. همبستگی و انسجامی که در میان مردم و قبایل استان وجود دارد، تشابهات زیادی با همبستگی موردنظر دورکیم (تقسیم کار اجتماعی)، ماکس وبر (کنش‌های اجتماعی)، فردیناند تونیس (اجتماع ـ جامعه)، رد فیلد (جامعه فولک) و پارسونز (جوامع سنتی ـ مدرن) دارد؛ البته نمی‌توان با قطعیت وضعیت اجتماعی موجود در استان را کاملاً با وضعیت سنتی موردنظر این دانشمندان یکی دانست، ولی همان طوری که گفته شد، شباهت‌های زیادی میان آنان وجود دارد. اگر بخواهیم جایگاه استان را میان نظام سنتی و مدرن مشخص کنیم، ایلام نه کاملاً سنتی و نه کاملاً مدرن، بلکه در حال گذر و البته بیشتر به نظام سنتی نزدیک است. هر چند شهرهای زیادی تشکیل شده و ظاهراً در نظام شهری، آداب و رسوم و نوع رفتار و ... نظام سنتی کمرنگ شده است، ولی با این حال هنوز تفکرات نظام سنتی و قبیلگی قدیم نه تنها از بین نرفته، بلکه بر عکس در مواقعی را مثل انتخابات بسیار پرفروغ ظاهر می‌شود. بسیاری از کاندیداهای ایلی با تحریک احساسات و عواطف، نوعی همبستگی درون قبیله‌ای برای پیروزی بر رقبا به وجود می‌آورند. همان طوری که ذکر شد، سایر قبایل هم یک چنین وضعیتی به وجود می‌آورند و به همین دلیل شاهد حضور و مشارکت حداکثری مردم در انتخابات بوده‌ایم. بسیاری از پاسخگویان، رقابت‌های قومی و قبیلگی را از علت‌های مهم مشارکت انتخاباتی بالای مردم استان ذکر کرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشانگر همبستگی درون قبیله‌ای بالا در استان است و هر چه از سطح خانواده به سمت محله، شهر، استان، منطقه و کشور حرکت کنیم از میزان همبستگی کاسته می‌شود.

بر اساس یافته‌های تحقیق، نظر به بافت سنتی و قبیله‌ای و به‌رغم اینکه مردم ظاهراً از زندگی سنتی و قدیمی فاصله گرفته و در شهرها سکنی گزیده‌اند، ولی با این حال وضعیت

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

محله‌های شهر ایلام گویای آن است که محل سکونت خانواده‌های فامیل و خویشاوند کاملاً مشخص و متمایز از غریبه‌ها و دیگران است؛ به طوری که اکثریت پاسخگویان بر این مسئله تأکید کرده و اظهار تمایل کرده‌اند که دوست دارند در میان اقوام و خویشاوندانشان سکونت داشته یا اینکه همسایگانشان از میان خویشاوندان و نزدیکان باشند و البته در عمل نیز چنین اتفاقی افتاده است. یافته‌های تحقیق گویای کم‌رغبتی، عدم تمایل، عدم عضویت یا شرکت در نهادهای مدنی بوده است. در شهر ایلام ارتباطات درون قومی و درون گروهی را بیشتر شاهد هستیم که چنین ارتباطی در مواقعی مثل انتخابات که احساسات و عواطف مردم بیشتر تحریک شده و تعصبات قومی □ قبیله‌ای پررنگ‌تر می‌شود، باعث شده تا اکثریت مطلق مردم برای حمایت از کاندیدای قومی، قبیله‌ای‌شان حضور مؤثرتری در آن داشته باشند و به همین خاطر اکثریت پاسخگویان، رقابت‌های قومی و قبیله‌ای را یکی از عوامل مؤثر در مشارکت حداکثری مردم داشته‌اند. به نظر می‌رسد که جامعه ایلام شباهت‌های زیادی با جامعه فولک مورد نظر رد فیلد و روابط اجتماعی حاکم بر گمینشافت مورد نظر تونیس دارد؛ چرا که ارتباطات نزدیک و صمیمانه در میان اعضا، ویژگی جامعه فولک مورد نظر رد فیلد است. اعضای جامعه فولک نسبت به یکدیگر احساس تعلق قوی دارند و با داشتن ارتباطات نزدیک با یکدیگر هر کدام توجیه قوی‌ای برای هواداری از دیگران دارند. از طرف دیگر، وضعیت حاکم بر استان با تئوری وربا- دنی و کیم که نوع محیط و اندازه آن را در مشارکت سیاسی لحاظ می‌کنند، سنخیت دارد. براساس مطالعات آنان، میزان مشارکت سیاسی در امور محلی و منطقه‌ای و در شهرهای کوچک‌تر بیشتر از شهرهای بزرگ و کلان‌شهرهاست؛ چرا که در چنین مناطقی مردم از دیرباز با یکدیگر آشنایی داشته و پیوندها قوی‌تر است و بنابراین میزان مشارکت سیاسی بیشتر است.

در واقع نتایج تحقیق بیانگر آن است که به هر میزان بر سرمایه اجتماعی اجتماع افزوده شود، به همان میزان بر مشارکت سیاسی و اجتماعی مردم افزوده خواهد شد. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه اجتماعی یکی از موثرترین و مهم‌ترین عوامل برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی برای افزایش مشارکت سیاسی است.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

منابع

ابرکرامبی، نیکلاس؛ هیل، استفان؛ اس. ترنر، برایان (۱۳۶۷). *فرهنگ جامعه شناسی*. تهران: چاپخش. ص ۲۸۶.

ازکیا، محمدجواد؛ فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۴). «بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران». *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۴.

امیرکافی، مهدی (۱۳۷۴). *اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن*. دانشگاه شهید بهشتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷). *مشارکت انتخاباتی (علل و انگیزه‌ها)*. تهران: نشر سفیر.

آرون، ریمون (۱۳۷۰). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: انتشارات آموزشی انقلاب اسلامی. چاپ دوم.

بشیریه، حسین (۱۳۸۴). *انقلاب و بسیج سیاسی*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

بوردیو، پیر (۱۳۸۰). *نظریه کنش، دلایل علمی و انتخاب عقلانی*. ترجمه مرتضی، مردیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.

پاتنام، روبرت (۱۳۸۰). *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: انتشارات روزنامه سلام.

پیران، پرویز؛ موسوی، میرطاهر؛ شیانی، ملیحه (۱۳۸۵). «کار پایه مفهومی و مفهوم سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)». *فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.

تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایهٔ اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه افشین خاکباز؛ حسن پویان. تهران: شیرازه.

ترکمانی، علی (۱۳۸۵). «تبین افول سرمایه اجتماعی». *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم.

حاتمی، محمدرضا؛ مصطفایی، محمدرضا (۱۳۹۱). «بررسی میزان شناخت جوانان از حقوق و مطالبات شهروندی (مطالعه موردی: جوانان شهرستان سقز)». *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره ۲، شماره ۱.

دال، رابرت (۱۳۶۴). *تجزیه و تحلیل جدید سیاست*. ترجمه حسین ظفریان. تهران. چاپ اول.

دهقان، علیرضا؛ غفاری، غلامرضا (۱۳۸۴). «تبیین مشارکت اجتماعی، فرهنگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهر تهران». *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۱.

روشنفکر، پیام؛ ذکایی، محمدسعید (۱۳۸۵). «جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه». *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.

سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۷). *فرهنگ سیاسی ایران*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری. چاپ دوم.

سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۹). *مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست*. تهران: نشر دادگستر. چاپ اول.

شوهانی، احمد (۱۳۸۸). *رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت*. رساله دکتری. دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات.

عبداللهی، محمد؛ موسوی، میرطاهر (۱۳۸۶). «سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

امکان‌شناسی گذار». *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۵.
علوی‌تبار، علیرضا (۱۳۷۹). *الگوی مشارکت شهروندان درادارہ امور شهرها*. جلد اول و دوم سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور.
علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *مشارکت سیاسی*. تهران: نشر سفیر. چاپ اول.
غفاری، غلامرضا (۱۳۸۰). *تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر مشارکت اجتماعی و اقتصادی نواحی روستایی کارشان*. پایان‌نامه دکتری. دانشگاه تهران. ص ۴۲.
فاطمی، سیدعلی (۱۳۹۳). «مؤلفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه امام‌علی(ع)». *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره ۴، شماره ۲.
فوکویا، فرانسیس (۱۳۸۵). *پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)*. ترجمه غلامعلی توسلی. تهران: حکایت قلم نوین. چاپ دوم.
فیروزآباد، سیداحمد (۱۳۸۴). *بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران*. پایان‌نامه دکتری. دانشکده علوم اجتماعی. شماره ۲۶، صص ۳۳-۶۴.
فیلد، جان (۱۳۸۶). *سرمایه اجتماعی*. ترجمه غلامرضا غفاری و حسین رمضانی. تهران: کویر. چاپ اول.
قاسمی، وحید؛ اسماعیلی، رضا؛ ربیعی، کامران (۱۳۸۵). «سطح‌بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان‌های استان اصفهان». *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه*، سال ششم، شماره ۲۳.
قانعی‌راد، محمد امین؛ حسینی، فریده (۱۳۸۴). «ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیر دولتی (مطالعه تجربی در بین جوانان تهران)». *مجله جامعه شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۳.
کلمن، جیمز (۱۳۷۷). *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. چاپ اول.
محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵). «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی: بررسی رابطه بین بیگانگی و مشارکت اجتماعی و سیاسی». *نامه پژوهش*، شماره ۱، ص ۵۴.
ـــــــــــ(۱۳۸۵). «بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی، سیاسی». *نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره ۱، مرکز پژوهش‌های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
مسعودنیا، حسین؛ رهبرقاضی، محمودرضا؛ روحانی، حسین؛ کشاورز، حسین (۱۳۹۱). «بررسی تأثیر عوامل انگیزشی بر مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه بین‌المللی قزوین». *فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره ۲، شماره ۲.
معاونت سیاسی- امنیتی استانداری ایلام (۱۳۹۸). *گزارش اوضاع سیاسی - اجتماعی استان ایلام*.
موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵). «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی». *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال ششم، شماره ۲۳.
هوشنگی، حمید؛ جعفرپور، رشید (۱۳۹۱). «ریشه‌ها و زمینه‌های بی‌اعتمادی سیاسی در جامعه ایرانی در دوره رژیم پهلوی». *فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره ۲، شماره ۱.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

Bourdieu, P. (1986). *The Form Of Capital in J. GRichardson* (ed): Handbook For Theory and Research For The Socio Logy of Education.

Coleman, J. (1988). "Social Capital in the Creation of human capital". *American journal of Sociolog*, 94, pp. 5.5-120.

Fu kuyama Francis (1995). *Trust: The Social Virtues and the Creation of Pros perity*. Lonon: Penguin.

Porters, A. (1998). *Social capital: Its Origins and Applicator ions in Modern Sociology Annual Review of Sociology*. 24 (1).

Putnam, R. (2000). *Bowling Alon: the Collapse and Re vival of American Community sim on and Schuster*. New York.

Burkely, S. (1996). *People First: A Guide to Self-Reliant Participatory Rural Development.* London: Zedbooks. p. 65.

Macclosky, H. (1968). "Political participation". David, L. Sills (ED). *International Ncyclopedya of the Social Sciences*, Vol. 12-13, New York: McMillan Company and Free Press, p. 249.

Pattie, C.; Seyd, P. and Whitely, P. (2003). "Citizenship and Civic Engagement: Attitudes and Behavior in Britain". *Political Studies*, Vol. 51, pp. 443–468.

Portes, A. (1998). "Social capital: its origins and applications in modern sociology". *Annual Review of Sociology*, Vol. 24, pp. 1-25.

Coleman, J. S. (1990). *Foundations of social theory*. Cambridge: Harvard University Press. p. 302.

Fukuyama, F. (1995). *Trust: the social virtues and the creation of prosperity*. London: Hamish Hamilton. p. 10.

Putnam, R. D. (1995). "Bowling alone: America's declining social capital". *Journal of Democracy*, Vol. 6, pp. 65-78.

Loury, G. (1992). "The economics of discrimination: Getting to the core of the problem". *Harvard Journal for African American Public Policy*, Vol. 1, pp. 91-110.

Woolcock, M. (1998). "Social capital and economic development: Towards a theoretical synthesis and policy framework". *Theory and Society*, Vol. 27, p. 153.

Baumeister, R. F. & Leary, M. R. (1995). "The need to belong: Desire for interpersonal

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

attachments as a fundamental human motivation". *Psychological Bulletin*, Vol. 117, pp. 497-529.

Glynn, C. J.; M. E. & Lunney, C. A. (2009). "The influence of Perceived social norms on college students intention to vote". *Political Communication*, Vol. 26, pp. 48-64.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۰۱

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

شوهانی، احمد؛ شوهانی، نادر (۱۳۹۸)، «سنجش و تحلیل میزان تأثیر سرمایهٔ اجتماعی بر مشارکت سیاسی مردم (مطالعه موردی: شهر ایلام)» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۴، زمستان ۹۸، صص ۱-۲۵

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]